

علوی:

به نام خداوند صورتگر

این پنجشنبه در حالی که چهار روز از دیماه (زمستان) گذشته و سرمای خشک همه را به پوشیدن لباس های زخیم و به گرد آمدن دور بخاری ها فرا خوانده و بخار نفس پیش چشم را مه آلود می کند. دوستان مشتاق ما هم یکی یکی در حالی که از سرمای بیرون دست هایشان را به هم می ساییدند وارد کتابفروشی جناب واحدی می شوند و نخست به سراغ بخاری برقی رفته کمی خود را گرم می کنند و می نشینند تا آماده گفتگو و شنیدن سخنان استاد ارجمند و شاهنامه پژوه دکتر سجاد آیدنلو بشوند.

در این دیدار سخن بر سر این بود ، با توجه به اینکه شاهنامه ی حکیم توس یک اثر حماسی ، اسطوری است . آیا از جنبه های تصویرهای خیالی هم برخوردار است یا نه ؟ و پاسخ چنین بود که بله زیرا در نگاه نخست به فردوسی به عنوان یک شاعر می بایست نگریست. درست است که متن جنبه ی روایی و داستانی دارد و قالب مثنوی در برخی جاها گفتگو به نظم کشیده می شود. گفتگو بین دو شاعر است و یا موارد دیگر. ولی در جاهایی هم توصیف هایی فردوسی دارد که از طبیعت، زمین ، آسمان جانوران انسان ها ، آورد گاهها و میدان های نبرد فردوسی هنرمندانه تصویر گری کرده است. و دو ماخذ بسیار خوب که این موارد را بر رسی کرده اند ، بخشی از کتاب صور خیال در شعر فارسی استاد شفیع کد کنی ، که در آن به فردوسی و تصویر آفرینی های او پرداخته و کتاب مستقل دیگری که آقای دکتر رستگار فسایی نوشته اند به نام، تصویر آفرینی در شاهنامه. بررسی تشبیه ها و استعاره های شاهنامه. فهرستی در آن کتاب داده شده است. از تصاویری که برای نمونه برای یک مرد یا انسان ، یا خاک و یا... فردوسی ده ها تصویر ارائه کرده این کتاب که حدود پانصد صفحه است ، فقط توصیف ویژگی های تصویر آفرینی های شاهنامه هست. و از نظر نوع تصاویر در کنار اغراق که در ماهیت شعر حماسی هست، نمود پیدا می کند و این نشانه آن است که تشبیه در شعر فردوسی بیشتر از استعاره است و این از هوشیاری و دقت بلاغی فردوسی هست. (اینجا آقای دکتر شجاع روی نظامی کار می کنند) تفاوت داستان پردازی نظامی با فردوسی و درجه ی بالاتر هوشمندی بلاغی فردوسی نسبت به نظامی است . فردوسی در داستان از تشبیه بیش از استعاره استفاده کرده، که در حالی که نظامی استعاره گراست. فهم استعاره برای مخاطب داستان سخت تر از تشبیه است. تشبیه باعث می شود که مخاطب راحت تر با داستان ارتباط برقرار کند. صنایع دیگر هم به ویژه انواع جناس در شاهنامه فراوان وجود دارد. برای مثال در داستان رستم و سهراب که فردوسی می گوید :

گرازان و بر گور نعره زنان

سمندش جهان و جهان را کنان

به سهراب می گوید که اسبش می جهید و با جهیدنش جهان را هم می کند. در مصرع اول هم گور ایهام دارد؟ هم گور به معنای شکار، هم اینکه چون رستم را رها کرده گویی بر سر گور خودش (به معنای قبر) نعره می زند . چنین ظرافت هایی هم در شاهنامه هست و همینطور مراعات النظیرهای بسیار زیبایی در شاهنامه داریم. جهان هم جناس تام و مبالغه های شاهنامه هم که معروف است. مانند:

چو پاسی از آن تیره شب در گذشت

تو گفתי چو آهن سیه ابر گشت

و همینطور ارسال المثل های زیبایی که در شاهنامه فردوسی به کار گرفته ، که برخی تبدیل به ضرب المثل در ادب فارسی شده. چند نمونه تصویر هم اگر بخواهیم بیاوریم:

چو روشن بود روی خورشید و ماه

ستاره چرا بر فراز د کلاه

و یا:

بر آمد یکی باد با آفرین

هوا گشت خندان و روی زمین

و یا اینکه:

ز دشت اندر آمد یکی ازدها

کز او پیل گفتی نیابد رها

و یا:

چمانده ی دیزه هنگام گرد

چرانده ی کرکس اندر نبرد

که در چهار مقاله نظامی عروضی این بیت را آورده که: زال نامه می نویسد به پدرش سام و می خواهد از او تعریف بکند این را می گوید: به این معنا که آنقدر در میدان جنگ از دشمنان می کشی که گویی برای کرکسان سور می دهی تا آنها بیایند بر پیکر مرده ها بچرند. مبالغه و تصویری زیبا را ارایه کرده است

یا در داستان رستم و سهراب که در توصیف دختر می گوید:

روانش خرد بود و تن جان پاک

تو گفتی که بهره ندارد ز خاک

یعنی آنقدر زیباست که گویی از خاک آفریده نشده سرشت خاکی ندارد نور و روح و لطافت محض است.

هنر فردوسی در مقایسه نه تنها با نظامی که برای مثال با اسدی توسی که نزدیک به زمان خود فردوسی هم هست و منظومه ی پهلوانی هم به نظم کشیده. این است که تصویرها آنقدر طبیعی و در متن روان به کار می رود که تو ذوق نمی زنی. مثلاً شما گرشاسب نامه را بخوانید احساس تصنع می کنید. این سادگی ها در شعر سعدی هم نمود دارد. بایستی اینها را مورد مطالعه قرار داد. بنا بر این بله فردوسی هم در این اثر حماسی و اسطوری اش فراوان از صور خیالی بهره برده است.

در پایان دکتر آیدنلو دانشجویان و ما که حاضر بودیم را به خواندن بخش فردوسی صور خیال استاد شفیع کدکنی سفارش کردند. این هم از یاد داشت این پنجشنبه زمستانی ما که گرم از حضور دوستان بود و گفتارهای دکتر آیدنلو. امید که شما نازک بینان اهل ادب را مفید افتد.

عبدالحسین علوی